



دستپاچگی گمرک برای توجیه آمار روحانی!

یادداشت امروز

۲۶ خرداد ۹۴، روز پیروزی کربلای ۴

مرگ بر آمریکا به خودشان می‌گیرند

حسین قدیانی

همین که خبر تفحص شهدای غواص، آن هم با آن جزئیات حقیقتاً جگر خراش اعلام شد، پروپاگاندا دشمن هم دست به کار شد، بلکه این بار به واسطه دایه مهربان‌تر از مادر شدن برای شهدای جمهوری اسلامی، جمهوری اسلامی را بزندان در این بین، آنکه از همه حیثیات بیشتر به خرج داد «بی‌بی‌سی فارسی» بود. هدف این رسانه، ایضا الباقی رسانه‌های غربی آن بود که با سوءاستفاده از نحوه شهادت شهدای غواص، در روز تشییع این درناهای وطن، خلل وارد کنند، بلکه در آرمان‌های دفاع مقدس شک و شبهه ایجاد کنند و خون این درناهای وطن را هدر رفته و نامود کنند! در یک کلام، مکر دشمن این بود: «سیاه‌نمایی، آن هم سیاه‌نمایی دوران منور و متعالی دفاع مقدس» لیکن «ومکروا و مکرالله و الله خیر الماکرین». دشمن توهم‌زده بود حتی با شهید انقلاب اسلامی هم می‌تواند نظام جمهوری اسلامی را بزندان بنامز نقشه خدای شهیدان را که چه زود به زود به صفحات سر رسید این ملت شهیدپرور «بوم‌الله» اضافه می‌کند. در این کاشانه، روزهای بسیاری، شهدای بسیاری تشییع شده‌اند لیکن «۲۶ خرداد ۹۴» الحق والانصاف حماسه ممتاز و حادثه متمایزی بود. سه‌شنبه، از مبدأ تشییع تا مقصد تشییع، خیزی هم فاصله نبود اما فرقی نمی‌کرد تا بوقت شهادت «خیابان پیروزی» باشد، «میدان شهدا»، «بهارستان» یا «معراج». تراکم جمعیت، در جای جای این مسیر، شکوهی برپا کرد بس بی‌نظیر. اگر ملت ایران فی حد ذاته ملت متحدی است، لاجرم آنجا که با شهدا همراه می‌شود، جلوه مضاعف می‌دهد به این «وحدت کلمه». هان ای دشمن! این هم از «۲۶ خرداد ۹۴» با شعار «مرگ بر آمریکا!» باز هم اگر دوست دارید از این ملت، سیلی حیدری بخورید، معین کردن موضوعش با خودتان! که شما بارها زحمت این کار را بر خود هموار کرده‌اید و از قرار، لابد هم از فرط خیریت، دیگر به آن عادت کرده‌اید! شهدایی که بعداً زظهر سه‌شنبه در تهران تشییع شدند، از غواص و خط‌شکن گرفته تا بی‌سیم‌چی و چه و چه، حتماً و قطعاً در روزگار حیات‌شان در این دنیا، بارها گوش دشمنان را گرفته بودند اما باورم هست هیچ کجا و هیچ روزی، مثل «۲۶ خرداد ۹۴» موفق به غلبه بر دشمن نشدند! فلذا ویکی‌پدیا، بی‌بی‌سی و... بروند اطلاعات خود را درست کنند! عملیات «کربلای ۴» در تاریخ سوم دی ماه سال ۶۵ آغاز و مورخ بیست و ششمین روز از خرداد سال ۹۴ با پیروزی بزرگ، خیره‌کننده و تاریخی سپاه اسلام به پایان رسید! این وسط، شکست را دشمنی خورد که توهم زده بود حتی از زنون شهدای غواص هم نامی برای شیطان بزرگ نمی‌شود! اهیها! در راهی هور، است، نه دشمن وقیح سه‌شنبه همه آمده بودند؛ صنف‌ها مختلف بود، لیکن صف، یکی بود و بس! حنجره‌ها مختلف بود، لیکن فریاد، یکی بود و بس! اسبابا و اصولا ملت، یک ملت است و شعار هم یک شعار! «مرگ بر آمریکا» هیچ کجا مثل تشییع پیکر مطهر شهدا نمی‌چسبد! اگر شهید رفت تا استقلال وطن حفظ شود و اگر آمریکا با بهره از بی‌تدبیری بعضی‌ها، قصد خدشه بر استقلال وطن دارد، هیچ روزی مثل روز تشییع شهدا «مرگ بر آمریکا» جواب نمی‌دهد! من اما در عجبم! اینجا جمهوری، در جوار شهدای هور، شعار «مرگ بر آمریکا» سر می‌دهد، به بعضی‌ها برمی‌خورد و شعار «هیبهات منا الذله» سر می‌دهد به خود می‌گیرند؟ مگر طرف کاخ سفید هستند که این همه بغض دارند نسبت به «مرگ بر آمریکا»؟! مگر بعضی‌ها قرار است نسخه دلت برای ملت بیچند که شعار «هیبهات منا الذله» را به خود می‌گیرند؟! ملت می‌خواهد دست در دست شهدا، عزت داشته باشد، به بعضی‌ها برمی‌خورد البته که بگذار برخورد! به جهنم! گناه «مادران فرزندان دست داده» چیست که عالیجنابان، خود را مخاطب شعار شهدای ایشان گرفته‌اند؟! گناه جانباز ویلچری چیست که وقتی شعار می‌دهد: «آب خوردن ما به «سلام بر حسین» بستگی دارد، نه تحریم» عده‌ای یاد بی‌تدبیری خود می‌افتند؟! گیر از ملت و میکروفن و تیتراژ فلان روزنامه و دوربین تلویزیون و دست‌نوشته‌های روی دست و پرچم‌های به اهتزاز درآمده و تشییع طولانی و اشک‌های دامنه‌دار مردم نیست!

۲ صفحه

معراج شهدای خیابان بهشت - کس - عادل عزیزی، وطن امروز

«لعن‌های زیارت عاشورا می‌زد. خب! این شهدای غواص که تصادف نکردند!

برخی اما انگار نمی‌خواهند صدای مردم را بشنوند. صدای انقلاب مردم را! که روز ۲۶ خرداد با پلاکاردهایی که سر دست گرفته بودند، نشان می‌دادند چقدر از آمریکا متنفرند. کسانکی که این صدا را شنیدند بعد نیست دوباره تئوری مترقی!»

وابسته بودن آب خوردن به تحریم‌ها را ارائه دهند و بدون اینکه کسی به مردم گفته باشد، «انقلاب ۵۷» با همان شعارها دوباره تکرار شد. چون اینها را می‌گوییم، بیچاره‌های سیاسی می‌گویند «صدا ره سیاسی» کرده‌اید!

شاید اگر در استفاده از واژه «خودجوش» در برخی مراسم و راهپیمایی‌های عراق و زیاد روی می‌شود، در این مورد کاملاً بیجا و مناسب می‌نماید. در این مراسم «مرجعیت مردم» بر همه گروه‌های سیاسی در کشور مثل همیشه چربید و مردم شعارهایی را که خودشان می‌خواستند و از قبل آماده نشده بود، سر دادند. با این همه وضوح تصویر، با این همه شفافیت، با این صدها بلند و با این صراحت بی‌نظیر مردمی حالا یک عده بیچاره سیاسی دوباره قلم به دست گرفته‌اند که چه و چه!

حکایت تعبیر «صدا ره سیاسی» و الفاظ دیگری که این روزها توسط سپاه‌لشکرهای قلمی طرفدار سیاست خارجه دوره قاجار، در جریان و با عصبانیت از شعارهای مردم علیه آمریکا استفاده می‌شود، حکایت حرفی است که آن آخوند منحرف درباره

رهبر انقلاب در پی تشییع تاریخی پیکرهای مطهر ۲۷۰ شهید دفاع مقدس، از «حضور پر مضمون» مردم قدردانی کردند

بشارت در لحظه نیاز



معراج شهدای خیابان بهشت - کس - عادل عزیزی، وطن امروز

حتماً شنیده‌اید که یک روز آخوند منحرفی بالای منبر و از خودش فتوا می‌دهد که «لعن‌ها را از زیارت عاشورا بردارند، چرا که خشونت دارد». پایین که می‌آید یکی از او سوال می‌کند مگر در زیارت عاشورا به یزید و ابن زیاد و شمر لعن نمی‌فرستیم؟ می‌گوید: بلی! آن یک نفر دوباره می‌پرسد: مگر اینها را به خاطر کشتن امام حسین (ع) لعن نمی‌کنیم؟ می‌گوید: بلی! شخص می‌گوید: خب! مرد حسلی لعن را برداریم، این قاتل را بردارند! بعدش به کسانی که می‌پرسند چه شد که امام حسین (ع) شهید شد، بگوییم تصادف کرد؟! از پریروز که نه، از همان لحظه‌ای که خبر تفحص ۱۷۵ شهید غواص را آوردند، پوش گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی با عنوان «پیمای آورده‌اند» شکل گرفت. طبیعی بود مردم با سلاخی و احساسات مختلف، واکنش متفاوتی به این اتفاق محیرالعقول درعالم داشته باشند. شهدای غواص که پس از لورفتن کربلای ۴ توسط آواکس آمریکایی، دست بسته و در اوج مظلومیت زنده به گور شده بودند، در شعارهای مردمی در روز تشییع، «سندجنایت آمریکا» نام گرفتند. مجادله کنونی ایران با غرب بویژه با آمریکا رخداد یک انزجار عمومی از سوی مردم و حاکم شدن فضای نفرت و بی‌اعتمادی گسترده به آمریکا و متعاقباً حساس شدن به روند فعلی مذاکرات را طبیعی می‌نمود.

این اعلام انزجار از آمریکا و توصیه‌های مردمی

بازم بگید نوارها!

بیم تیم مذاکره‌کننده به «حواس جمع بودن» در مذاکرات، برخی را حسلیایی دستپاچه کرد. برخی رسانه‌های منتسب به دولت و جریان اقلیت «توافق» به هر قیمتی» طی این چند روز و پس از اعلام خبر تفحص شهدای غواص، همواره از ترس اینکه شعار «مرگ بر آمریکا» تقویت و عمومیت یابد، هر حرکتی را که از سوی مردم عادی کوچه و بازار صورت می‌گرفت «صدا ره سیاسی شهدای غواص» عنوان می‌کردند و می‌کنند و با عصبانیت علیه این جریان مردمی که شعارهای دستنویس روی مقواهای سفید را سردست گرفته بودند و تصاویر و شعارهای خودشان را در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کردند، حرف می‌زدند.

در مراسم تشییع شهدای غواص اینقدر شعارهای صریح توسط مردم کوچه و بازار دربره‌ها و به او مذاکرات هسته‌ای سر دست گرفته شد که خیلی‌ها تعجب کرده و خواهند کرد و فکر می‌کنم بیشتر از همه آن مشاور می‌گوید که یک روز گفته بود: مردم عادی، راننده تاکسی‌ها و لیفروش‌ها حق اظهار نظر درباره مذاکرات هسته‌ای را ندارند!

خیابان‌های داغ تهران شاهد بود از دل یک تجمع انسانی بزرگ شعارهایی کاملاً مذهبی و سیاسی واقعیت و بروز و ظهور پسا می‌کند و

روزنه

حتماً شنیده‌اید که یک روز آخوند منحرفی بالای منبر و از خودش فتوا می‌دهد که «لعن‌ها را از زیارت عاشورا بردارند، چرا که خشونت دارد». پایین که می‌آید یکی از او سوال می‌کند مگر در زیارت عاشورا به یزید و ابن زیاد و شمر لعن نمی‌فرستیم؟ می‌گوید: بلی! آن یک نفر دوباره می‌پرسد: مگر اینها را به خاطر کشتن امام حسین (ع) لعن نمی‌کنیم؟ می‌گوید: بلی! شخص می‌گوید: خب! مرد حسلی لعن را برداریم، این قاتل را بردارند! بعدش به کسانی که می‌پرسند چه شد که امام حسین (ع) شهید شد، بگوییم تصادف کرد؟! از پریروز که نه، از همان لحظه‌ای که خبر تفحص ۱۷۵ شهید غواص را آوردند، پوش گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی با عنوان «پیمای آورده‌اند» شکل گرفت. طبیعی بود مردم با سلاخی و احساسات مختلف، واکنش متفاوتی به این اتفاق محیرالعقول درعالم داشته باشند. شهدای غواص که پس از لورفتن کربلای ۴ توسط آواکس آمریکایی، دست بسته و در اوج مظلومیت زنده به گور شده بودند، در شعارهای مردمی در روز تشییع، «سندجنایت آمریکا» نام گرفتند. مجادله کنونی ایران با غرب بویژه با آمریکا رخداد یک انزجار عمومی از سوی مردم و حاکم شدن فضای نفرت و بی‌اعتمادی گسترده به آمریکا و متعاقباً حساس شدن به روند فعلی مذاکرات را طبیعی می‌نمود.

این اعلام انزجار از آمریکا و توصیه‌های مردمی

روزنه

حتماً شنیده‌اید که یک روز آخوند منحرفی بالای منبر و از خودش فتوا می‌دهد که «لعن‌ها را از زیارت عاشورا بردارند، چرا که خشونت دارد». پایین که می‌آید یکی از او سوال می‌کند مگر در زیارت عاشورا به یزید و ابن زیاد و شمر لعن نمی‌فرستیم؟ می‌گوید: بلی! آن یک نفر دوباره می‌پرسد: مگر اینها را به خاطر کشتن امام حسین (ع) لعن نمی‌کنیم؟ می‌گوید: بلی! شخص می‌گوید: خب! مرد حسلی لعن را برداریم، این قاتل را بردارند! بعدش به کسانی که می‌پرسند چه شد که امام حسین (ع) شهید شد، بگوییم تصادف کرد؟! از پریروز که نه، از همان لحظه‌ای که خبر تفحص ۱۷۵ شهید غواص را آوردند، پوش گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی با عنوان «پیمای آورده‌اند» شکل گرفت. طبیعی بود مردم با سلاخی و احساسات مختلف، واکنش متفاوتی به این اتفاق محیرالعقول درعالم داشته باشند. شهدای غواص که پس از لورفتن کربلای ۴ توسط آواکس آمریکایی، دست بسته و در اوج مظلومیت زنده به گور شده بودند، در شعارهای مردمی در روز تشییع، «سندجنایت آمریکا» نام گرفتند. مجادله کنونی ایران با غرب بویژه با آمریکا رخداد یک انزجار عمومی از سوی مردم و حاکم شدن فضای نفرت و بی‌اعتمادی گسترده به آمریکا و متعاقباً حساس شدن به روند فعلی مذاکرات را طبیعی می‌نمود.

این اعلام انزجار از آمریکا و توصیه‌های مردمی

نگاه امروز

نخبگان فراموشکار

اصلی در علوم آکادمیک مربوط به مدیریت وجود دارد که می‌گوید سازمان‌ها و تشکلهای خود را از مدتی از تاسیس، اصل و اهداف مبنایی خود را رها می‌کنند و مساله اصلی آنها حفظ و گسترش بروکراسی سازمان می‌شود. اما اگر کمی موسع‌تر بنگریم می‌شود این اصل را به حکومت‌ها به عنوان نوعی سازمان‌های پیچیده نیز تسری داد. این مساله در حکومت‌های داعیه‌دار نقشی فراتر از فقط اداره صرف جامعه می‌یابد و می‌شود پس از گذشت سال‌ها از استقرار آن حکومت، به بررسی آن از منظر چنین نگاهی پرداخت. حکومت‌هایی که به دست نخبگان بروکراتیک اداره می‌شوند و اهداف و آرمان‌های اولیه خود فقط قاب عکسی و مانیفست دکوری باقی می‌گذارند، در این حالت نه در مقام حرف بلکه در مقام اهداف به فراموشی سپرده می‌شوند. در این میان می‌شود امروز بسیاری از نخبگان سیاسی جمهوری اسلامی را چنین دید و آنها را میراث‌خوارانی بی‌وفا دانست. در عمل سیاسی و در نظرگاه این نخبگان بسیاری از اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی به حاشیه‌ای تزیینی بدل شده، حاشیه‌ای که البته در میان مردم هنوز اساسی و محل توجه است. همین می‌شود که توجه زیاد مردم به بدرقه شهدای غواص، گمنام و مظلوم اخیر بسیار بیش از آنی می‌شود که پرداخت‌های رسانه‌های در اختیار این نخبگان از آن حکایت می‌کند. واژه «مردم» شاید پرکاربردترین، مهم‌ترین و قابل تفسیرترین واژه کاربردی در زبان اصحاب سیاست باشد. سیاسیون از هر جناح همواره از پیگیری خواست مردم، بیان خواست مردم و... می‌گویند و به عبارت دیگر مدعی مردمند و در اصل این مفهوم مردم چیزی بیش از آنچه پسند و خواست و آرزوی آنان است، نیست. مردم در این نگاه آنچه را می‌گویند که سیاستمدار و صاحب رسانه می‌خواهد یا می‌پندارد و از این رهگذر کار خود را به پیش می‌برد. اتفاقی که بسیار در میانه جدل‌های سیاسی فراوان امروزان به آن برمی‌خوریم و هر دو طرف مسلح به سلاح مردم و خواست مردمند. اما اینکه در اصل مردم چه می‌گویند، چه می‌خواهند و چگونه فکر می‌کنند را باید از که پرسید؟ پرسشی که بسیار سخت بتوان پاسخش را داد. روزگاری استخوان‌های همین مردم باید در زیر چرخ توسعه خرد شود و به نوعی یک نسل فناکاری کند و امروز که شاید به نوعی روزگار فناکاری است هم سیاستمدار نگران خرد شدن استخوان‌های مردم است! مردم ولی هنوز صامتند و کم می‌گویند و همان کم را نیز بسیاری نمی‌شنوند. همیشه رای می‌دهند و تمنایی می‌کنند و از بد حادثه با ادعای نخبگان نمی‌سازند و محکوم می‌شوند به دروغ و اینکه نه این حرف آنها نیست و در دهانشان گذاشته‌اند! و در مواردی مثل همین بدرقه شهدای گمنام و مظلوم غواص و خط‌شکن به اندازه همان حاشیه در ذهن نخبگان فقط دیده می‌شوند. بدرقه‌ای که برگزار کنندگان را نیز - که حتماً بر مبنای همان دکور و حاشیه برنامه ریخته‌اند - غافلگیر می‌کند و در روزگاری که نخبگان قسبل شده از زبان مردم مدعی نیاز به هوای تازماری برای تنفسند و اینکه مردم تغییر کرده‌اند و دیگر خریدار آن اصول و ارزش‌ها نیستند، با همان حرارتی که فرزندان‌شان آن روزها از خانه بدرقه کردند این بار در بازگشت به خانه استقبال‌شان می‌کنند و نشان می‌دهند هنوز آن آرمان استقلال و عزت نفس از نان شب و عشق فرزند و آب خوردن حتی برای‌شان با اهمیت‌تر است و این را به زبان نیز می‌آورند هر چند باز اصحاب برخی رسانه‌ها آن را سازماندهی سیاسی می‌پندارند. این موارد شگرف از هم‌زبانی مردم و تجمع‌های خودجوش همه تأکید آنها بر ایستادن بر همان اصول و ارزش‌هایی است که برای آنها هنوز عینی و مهم و خواستنی و برای نخبگان مورد اشاره تزیینی و حاشیه‌ای است. این مردم نه بر اثر مطالعه فلسفی و نه به علت استماع سخنان روشنفکران، فرزندان خود و جان و مال خود را فدا کردند بلکه بر مبنای فطرت و خواست تاریخی خود عمل کردند و خواهند کرد و اینها برای‌شان تاریخ مصرف ندارد.

درباره روز تشییع شهدای غواص خیلی می‌شود حرف زد. از همه نقطه قوت مراسم یعنی «مردم» می‌شود بیشتر حرف زد. درباره ضعف‌های اجرایی و قصور رسانه‌های رسمی می‌شود حرف زد. درباره «مرجعیت مردم» و دقیقاً خود «مردم» که فارغ از گروه‌های سیاسی نظرات روشن و مشخص و اتفاقاً سیاسی خود را روی پوست‌ها و دست‌نوشته‌ها و بی‌ملاحظه‌کاری و لکنت زبان و بی‌توجه به نزدیکی انتخابات بیان می‌کردند، هم می‌شود حرف زد. از خیلی چیزها می‌شود حرف زد.

